

آموزه‌های انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ عراق

تورج افشون*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال نوزدهم، شماره 1، پیاپی 73، بهار 1397؛ صفحات 108-77

تاریخ پذیرش نهایی: 1397/03/15

تاریخ دریافت: 1397/02/20

چکیده

کالبدشکافی ساختار قدرت در عراق نوین، حاکی از اهمیت انتخابات پارلمانی است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت کم و کیف شکل‌گیری توزیع قدرت در دولت آتی از نحوه چینش کرسی‌ها در پارلمان متأثر است.

اولین انتخابات پارلمانی مقطع پس‌اداعش و چهارمین مرحله آن در مقطع پس‌اصدام، در فضایی متلاطم نظیر: بلند نمودن پرچم استقلال‌طلبی از سوی اکراد، ورود اهل سنت به شرایط خاص دوران بازسازی جغرافیای خود، واگرایی‌های فزاینده میان طیف شیعی و خیز برداشتن حوزه عربی برای گسترش تعاملات با عراق و همچنین «اندیشه بازگشت نیروها از سوی آمریکا» برگزار شده است، از این رو، بازیگری در این دوره چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی متفاوت‌تر از گذشته می‌باشد.

به نظر می‌رسد علیرغم چالش‌های جدی زیربنایی در خصوص نظام سیاسی عراق، مطالبات افکار عمومی در این دوره به جای سوق یافتن در راستای حل این چالش‌ها و گزینش «گفتمان‌های سیاسی مطلوب در راستای حل و فصل آنها» به سمت حل چالش‌های روبنایی و مطالبات فوری‌تر، ملموس‌تر و عمومی‌تر نظیر «خدمات‌رسانی» و «مبارزه با فساد» حرکت کرده است؛ هر چند این دو نوع چالش، نتیجه موضوع «سه‌می‌بندی» در ساختار قدرت می‌تواند باشد، لیکن ترجیح مطالبات فوری از سوی جامعه و حمایت مرجعیت از این مطالبات، نتایج انتخابات این دوره را متفاوت از پیش‌بینی‌های اولیه رقم زده است، که در مقاله حاضر ضمن بررسی این موضوع، تلاش می‌شود آموزه‌ها و تجربه‌های آن نیز مکتوب گردد.

واژگان کلیدی

انتخابات پارلمانی، نظام دموکراتیک، مرجعیت، ائتلاف‌های سیاسی، افکار عمومی، آمریکا، کشورهای عربی



مقدمه

یکی از موضوعات مهم عراق در مقطع پساداعش، کم و کیف شکل‌گیری حکومت است که بایستی با توجه به مؤلفه‌های انتخابات پارلمانی 2018 رقم بخورد. از این رو، انتخابات پارلمانی سال 2018، به مثابه سنگ‌بنای تشکیل حکومت در عراق، اگر به نسبت انتخابات گذشته اهمیت بیشتری نداشته باشد، به ضرس قاطع می‌توان گفت که اهمیت آن کمتر نیست.

شاخص‌هایی نظیر ورود عراق به مقطع پساداعش، بلند کردن پرچم استقلال‌طلبی و به تبع آن ناکامی اکراد در رسیدن به اهداف همه‌پرسی، شرایط خاص اهل سنت در این دوره، واگرایی‌های فزاینده میان جریان‌های شیعی در این مقطع نسبت به مقاطع گذشته، دغدغه‌های عراق برای بازسازی مناطق جنگی و تأمین معیشت و بهبود خدمات در سایر مناطق، احتمال گسترش تعاملات و مناسبات با حوزه عربی بر اهمیت ترکیب و چینش حکومت آینده افزوده است؛ حکومتی که قرار است از دل نتایج انتخابات پارلمانی سر برون آورد.

در نظام سیاسی دموکراتیک - فدرالیستی عراق بر مبنای انتخابات و در چارچوب مفاد قانون اساسی، پارلمان در واقع سنگ بنای حکومت را تشکیل می‌دهد و مقامات حکومتی نظیر رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر با رأی نمایندگان پارلمان و براساس رویه‌های مرسوم در نظام‌های سیاسی دموکراسی انجمنی (با توافق و رضایت جریان‌ها) انتخاب می‌شوند، بنابراین از روی فعل و انفعال‌های قبل، حین و پس از برگزاری انتخابات میان جریان‌های سیاسی و ائتلاف‌های میان انتخاباتی، می‌توان در خصوص کمیت و کیفیت شکل‌گیری حکومت آینده به حدس و گمان‌هایی مبادرت ورزید. بدیهی است دموکراسی انجمنی یا توافقی بر ارکان زیر استوار است: ائتلاف گسترده برای تشکیل دولت، وتوی متقابل، سهمیه‌بندی در حاکمیت و مناصب حکومتی و اداری، خودمختاری نسبی حکومت‌های محلی. (العنبکی، 2013: 47-48 با تصرف)

البته نکته مهم‌تری نیز در این راستا وجود دارد و آن، همانا گفتمان‌های انتخاباتی ائتلاف‌ها و جریان‌های سیاسی پیروز در انتخابات است که آنها را نیز باید مطمح نظر قرار داد؛ چرا که گفتمان‌های مطرح پیش از انتخابات، این قابلیت را دارند که به درک ما



از ترکیب و نحوه شکل‌گیری حکومت آینده و حدود و ثغور آن به علاوه نقش و حضور طیف‌های مختلف قومی - مذهبی در آن، شکل بخشند؛ به عبارت بهتر در هر گفتمان انتخاباتی معنای کلمات، اصطلاحات، گفتارها، رفتارها، اعمال و نهادهای شکل گرفته، با توجه به بافت کلی‌ای که در چارچوب آن اتفاق می‌افتند، قابل درک و فهم هستند.

با این اوصاف، پرسش اصلی پژوهش حاضر حول درس‌هایی است که می‌توان از انتخابات پارلمانی 2018 عراق، اخذ کرد. به عبارت بهتر، آموزه‌های انتخابات پارلمانی 2018 عراق کدام‌اند؟ ضرورت پاسخ به این پرسش، این موضوع است که کاربست این آموزه‌ها در مقاطع بعدی، می‌تواند ما را به سیاست‌گذاری بهتر در راستای رسیدن به اهداف و برنامه‌های مطلوب یاری رساند و همچنین به فهم پیچیدگی‌های سیاست در عراق کمک کند.

موضوع مهم دیگر این است که برای رسیدن به پاسخ این پرسش، ابتدا باید مقایسه‌ای میان انتخابات گذشته با انتخابات یادشده صورت گیرد و مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. بنابراین برای درک بهتر موضوع مروری کوتاه بر انتخابات گذشته، ضرورت دارد.

نگاهی کلی به انتخابات عراق از سال 2005 تا امروز

چنانچه خواهیم در انتخابات سال‌های 2005، 2010 و 2014 وضعیت سه طیف شیعه، سنی و کرد را مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم، انتخابات عراق در سال 2005 به صورت لیست بسته و تک‌دایره‌ای برگزار شد و به طور کلی، طیف‌های قومی - مذهبی شیعه، سنی و کرد هر کدام در قالب سه ائتلاف یکپارچه و متحد در آن حضور پیدا کردند. در این انتخابات، میان گروه‌های مختلف به ویژه شیعیان، کردها و جامعه اهل سنت انسجام (بر مبنای قومی - مذهبی) وجود داشت. البته در آن سال، بخش زیادی از گروه‌های منتسب به اهل سنت انتخابات را تحریم کردند و بخشی نیز در قالب جبهه توافق متشکل از حزب اسلامی و تجمع مردمی عراق مشارکت کردند.

در انتخابات سال 2010، ائتلاف‌ها، در بین جریان کردی شاهد تغییر محسوسی نبود و ائتلاف کردستان به صورت یک ائتلاف متشکل از حزب دموکرات و اتحادیه میهنی





وارد عرصه انتخابات شد. از سوی دیگر در بین جریان‌های شیعی، ائتلاف سابق تا حدی دچار انشقاق شد و جریان شیعه به صورت دو ائتلاف وارد عرصه انتخابات شد. احزاب و جریان‌های سنی و شیعیان سکولار نیز در یک اتفاق غیرمنتظره و یا نقش‌آفرینی بازیگران دخیل خارجی (نظیر سعودی و آمریکا) با یکدیگر در یک لیست واحد قرار گرفتند و توانستند 91 کرسی کسب کنند.

در انتخابات سال 2014، انسجام و وحدت بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی اعم از شیعه، سنی و کرد به انشقاق و چنددستگی تبدیل شد و کم‌کم این چنددستگی به اوج رسید؛ حتی این جدایی، در انتخابات پارلمانی سال 2014 بین گروه‌های کردی نیز پررنگ‌تر دیده می‌شد و باعث شد زمینه و بستر لازم برای بروز و ظهور گروه‌های معارض و اپوزیسیون کردی و به طور خاص، جنبش تغییر فراهم شود تا با بهره‌گیری از این ظرفیت یا بستر، تعداد کرسی‌های خود را در پارلمان افزایش دهد.

در بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی شیعی نیز این چنددستگی و انشقاق مشهودتر بود و ائتلاف‌های پیشین به نوعی از هم فروپاشیده بود. در حوزه اهل سنت نیز، انسجام انتخابات گذشته به یک بی‌انسجامی تبدیل شد و نوعی از هم‌گسیختگی در بین صفوف جریان‌های سیاسی اهل سنت مشاهده می‌شد.

انتخابات پارلمانی سال 2018، به عنوان چهارمین انتخابات پارلمانی در عراق پس‌اصدام تلقی می‌شود. در انتخابات دو دوره پیش، یک سال قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی، انتخابات شوراهای استانی برگزار می‌شد؛ اما در این دوره ابتدا قرار شد انتخابات پارلمانی به همراه انتخابات شوراهای استانی برگزار شود ولی این‌گونه نشد. در انتخابات گذشته، برگزاری انتخابات شوراهای استانی پیش از انتخابات پارلمانی، مبنای سنجش خوبی برای انتخابات پارلمانی و تعیین وزن سیاسی جریان‌ها و میزان مطلوبیت گفتمان‌های انتخاباتی بود و هر جریانی می‌توانست با تکیه بر نتایج انتخابات شوراهای استانی تا حدی نتایج انتخابات پارلمانی را پیش‌بینی کند؛ به عبارت بهتر جایگاه خود را در فرایند سیاسی محک بزند.

گفتمان‌های انتخاباتی 2018 عراق

از آنجایی که حاکمیت در عراق پس‌اصدام هم براساس قانون و هم براساس رویه‌های



ایجاد شده، با محوریت شیعیان بوده است، معمولاً راهکارها برای عبور از مشکلات و چالش‌های حاکمیت، نیز اغلب از سوی همین طیف عنوان گردیده و بر این اساس در میان جریان‌های اسلام‌گرا و غیراسلام‌گرای شیعی، در انتخابات پارلمانی 2018 - علیرغم گذشت بیش از 15 سال از تولد نظام سیاسی مستقر نوین - گفتمان‌های متعدد، مختلف و گاه رقیبی شکل گرفت، که بررسی مهم‌ترین آنها در اینجا ضروری می‌نماید.

شایان یادآوری است که بررسی تمامی گفتمان‌های مطرح شده از سوی تمامی طیف‌ها (جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مبتنی بر هویت قومی - مذهبی) موضوعی ضروری‌تر است، لیکن با توجه به محوریت شیعیان در حاکمیت به سبب اکثریت عددی در پارلمان نسبت به سایر طیف‌ها، اولاً صرفاً گفتمان‌های ناظر به تغییر و تحول در ساختار حکومتی آتی که از سوی این جریان‌ها مطرح گردیده است، مهم‌تر است در ثانی، گفتمان‌های ناظر به تغییر و تحول در ساختار حقوقی - حاکمیتی عراق از سوی سایر طیف‌ها صورت نگرفته یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است، هر چند با توجه به قدرت نسبی کمتر آنها در روند سیاسی، گفتمان‌های طرح شده از سوی طیف غیرشیعی، نمی‌تواند خیلی کانون توجه باشد.

بر این اساس، و با توجه به محوریت قرار گرفتن شیعیان در رأس هرم سیاسی پیش از این برگزاری انتخابات پارلمانی 2018 در عراق، چند گفتمان از سوی طیف شیعی مطرح گردید و در واقع هر کدام از جریان‌های سیاسی وابسته به طیف شیعی، گفتمان خاصی را برای عبور از مشکلات و چالش‌های عراق، طرح کرده است که بیشتر بر مبنای تحول در مفهوم اکثریت دور می‌زند.

اکثریت در ساختار سیاسی جدید عراق

نظام سیاسی متولد شده در عراق پس‌اصدام، در واقع با محور قرار گرفتن حاکمیت شیعیان، به همراه خود شکل‌گیری نوعی اکثریت عددی را رقم زد. بررسی قانون اساسی دائم عراق به مثابه ام‌القوانین در این کشور و به عنوان نقشه راه فرایند سیاسی، نمایانگر شاخص اهمیت اکثریت عددی است.

بر این اساس، قانون اساسی عراق در موضوع انتصاب در تعیین رؤسای قوای مقننه، مجریه و همچنین ریاست جمهوری، به صورت آشکار به موضوع اکثریت عددی اشاره کرده





است. در این زمینه می‌توان به مواد 55، 70 و 76 قانون اساسی عراق اشاره کرد. در ماده 55 قانون اساسی عراق در موضوع انتخاب رئیس پارلمان بیان می‌دارد که مجلس در نخستین جلسه خود، رئیس، معاون اول و معاون دوم را با اکثریت مطلق آراء و با شیوه رأی‌گیری مخفیانه انتخاب خواهد کرد. همچنین در ماده 70، در موضوع انتخاب رئیس‌جمهور مواردی بیان شده است. پارلمان از میان نامزدها، رئیس‌جمهور را با اکثریت دو سوم نمایندگان برمی‌گزیند.

در ماده 76، نیز در موضوع انتخاب نخست‌وزیر (به عنوان مهم‌ترین پست حکومتی در عراق) به موضوع اکثریت عددی اشاره شده است. در این ماده بیان شده است، که رئیس‌جمهوری ظرف مدت 15 روز از انتصاب خود، نامزد فراکسیون اکثریت (کتنه اکبر) در پارلمان را مکلف به تشکیل دولت می‌نماید. (قانون اساسی عراق)

همان‌گونه که بیان گردید، موضوع اکثریت در ساختار سیاسی (دموکراسی توافقی) عراق جدید وجود دارد اما مراد از آن، اکثریت سیاسی نیست بلکه مراد اکثریت عددی است و اغلب گفتمان‌های انتخاباتی شیعی، مشکلات و چالش‌های حکومت‌های برآمده از دل انتخابات‌های پس‌اصدام را در این مقوله جست‌وجو کرده‌اند.

از سوی دیگر، نوع نظام سیاسی ایجاد شده در عراق پس‌اصدام و چالش‌ها و مشکلات ناشی از تشکیل دولت در آن، مبنای اصلی اغلب گفتمان‌های یادشده است. به عبارت بهتر، عراق پس از سال 2003 و متعاقب آن سقوط حاکمیت حزب بعث صدامی، وارد دوران جدیدی از حیات سیاسی خود شد. در این مقطع، شیعیان و کردها، به مثابه دو طیف (قومی - مذهبی) - که در سایه حاکمیت حزب بعث سرکوب شده و به حاشیه رانده شده بودند - توانستند پایه‌های اصلی ساخت قدرت در عراق قرار گیرند.

در این میان، از اساسی‌ترین موضوعاتی که به دغدغه آنها تبدیل شده بود، نوع نظام سیاسی‌ای بود که باید در عراق جدید پس از سقوط صدام، حاکم می‌شد؛ عراقی که علاوه بر بازیگران ذی‌نفع داخلی، صحنه رقابت‌های بازیگران متعدد دخیل خارجی نیز بود و هر کدام دارای مصالح و منافع خاصی بودند که غالباً در تعارض با هم قرار داشتند. در نهایت، نوع نظام شکل گرفته در عراق با توجه به بافت قومی-مذهبی غیرهمگن متعدد نظیر عرب‌های شیعی، عرب‌های اهل سنت، کردهای اهل سنت، کردهای شیعی،

ترکمان‌ها، مسیحیان، صابین، کلدانی‌ها، آشوری‌ها و... نظام دموکراتیک فدرالی براساس انتخابات پارلمانی، مورد توافق اغلب طیف‌ها قرار گرفت؛ نظامی که به سبب شرایط خاص آن، می‌توان از آن به دموکراسی توافقی (یا انجمنی) یاد کرد.

بدیهی است که با گذشت بیش از 15 سال از عمر چنین نظامی، مشکلات و چالش‌های اساسی چنین نظامی در درون خود، تا حدودی آشکار گردیده است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: فساد گسترده اداری و مالی، عدم توجه به توسعه و پیشرفت اقتصادی، عدم خدمات‌رسانی مطلوب در ابعاد بهداشتی، معیشتی از جانب حکومت به جامعه، تحزب بر مبانی قومی- مذهبی، گسترش چالش‌ها و مشکلات حکومت مرکزی با حکومت‌های محلی فدرال (اختلافات میان اربیل- بغداد)، چالش‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری و... روند کند تصمیم‌گیری در پارلمان و آبستراکسیون جریان‌های حزبی و «قومی- مذهبی» در پارلمان در راستای به حد نصاب نرسیدن جلسات مهم تصمیم‌گیری، معلق و مبهم بودن قوانین مهم همچون قانون نفت و گاز و مهم‌تر از همه اعمال سیستم سهمیه‌بندی در تقسیم مناصب و پست‌های حکومتی.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که گفتمان‌های مهم شیعی در جریان انتخابات پارلمانی 2018 غالباً با در نظر گرفتن حل مشکلات یادشده و به‌ویژه مشکل مهم معطل ماندن تصمیم‌گیری‌ها در فرایند سیاسی و تبعات منفی ناشی از آن (سهمیه‌بندی‌ها) ارائه گردیده است. در ادامه دو گفتمان مهم شیعی با عناوین «گفتمان اکثریت ملی» و «اکثریت سیاسی» مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت. البته علاوه بر گفتمان‌هایی از این مقوله، گفتمان جریان صدر به نوعی گفتمانی پوپولیستی و عام‌پسند بود که بر مبنای شعار مبارزه با فساد و اشغالگری طرح گردید و گفتمان دیگر، گفتمان‌های مدنی و لیبرال بود که بر فاصله گرفتن از رویکرد اسلامی- دینی در صحنه سیاست مبتنی بودند و صرفاً مختص طیف شیعی نیز نبودند.

گفتمان اکثریت ملی سید عمار حکیم (تیار حکمه الوطنی)

در واقع، گفتمان «اکثریت ملی» در نقطهٔ مقابل گفتمان «اکثریت سیاسی» مطرح شده از سوی نوری مالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون قرار دارد و جریان حکمت ملی پس از



جدا شدن از مجلس اعلا، به طرح و تقویت این گفتمان پرداخت.

بر این اساس، جریان حکمت ملی با طرح گفتمان خود یعنی گفتمان انتخاباتی «اکثریت ملی» ضمن اینکه در تلاش بود تا رقیب خود را از صحنه کنار بزند همچنین سعی داشت تا با دادن رنگ و لعابی ملی به گفتمان خود، زمینه‌های جذب و جلب آرای انتخاباتی را با تأکید بر حل و فصل چالش‌های سیاسی فراهم سازد. «نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که واژگان «اکثریت ملی» از لحاظ معنایی واژگانی بی‌معنا در فرهنگ علوم سیاسی است. آنچه در علم سیاست مورد اشاره قرار گرفته، اکثریت سیاسی، اکثریت نسبی، اکثریت مطلق و اکثریت پارلمانی است.» (پایش، ش 7، 23 اردیبهشت 1397: 3، با تلخیص و تصرف)

گفتمان اکثریت ملی راه‌حل خروج از بن‌بست‌ها و حل چالش‌های موجود در عراق را ایجاد و تشکیل حکومت اکثریت ملی می‌داند. در این زمینه سید عمار حکیم بر این باور است که در راستای تغییر مسیر فرایند سیاسی و خروج از سیستم سه‌په‌بندی و توافق، باید اکثریت ملی شکل بگیرد.

جریان حکمت ملی به طور کلی درصدد طرح این موضوع بود که باید رویکرد و شیوه گذشته حکمرانی در عراق را ترک نمود و اسلوبی جدید از حکمرانی در قالب تشکیل حکومت اکثریت ملی شکل داد. ویژگی‌ها، ابعاد و شاخص‌های کلی این گفتمان از دیدگاه سید عمار حکیم بر این مبنا استوار بود که عراق نیاز به دو گروه رقیب دارد که از طریق اکثریت ملی به وجود می‌آید. یکی از این گروه‌ها با در دست گرفتن قوه مجریه به عنوان منبع تصمیم‌گیری مطرح شده و در مقابل، اپوزیسیونی در پارلمان شکل می‌گیرد که تکالیف خود را در مقابل حکومت انجام می‌دهد. نکته بارزی که این گفتمان را از گفتمان «اکثریت سیاسی» دولت قانون متمایز می‌کرد تأکید سید عمار حکیم، رهبری جریان حکمت ملی بر «تشکیل اعضای هر گروه از تمامی طیف‌های قومی- مذهبی عراق بود تا حکومت رنگ و بویی رقابتی و ملی به خود بگیرد.» (پایش، شماره 7، ص 3، با تصرف)

شایان یادآوری است که گفتمان جریان حکمت ملی، پیشتر از سوی جریان صدر و



در بحبوحه انتخابات پارلمانی 2014 عراق مورد توجه قرار گرفته بود¹ ولی در دوره جدید گفتمان صدری‌ها، عوام‌پسند و در چارچوب‌های فراقومی- فرامذهبی و در مجموع «ملی‌گرایانه» بود.

گفتمان اکثریت سیاسی نوری مالکی (دولت قانون)

همان‌گونه که پیشتر یادآوری شد، حکومت‌های شکل گرفته عراق پس‌اصدام با چالش‌ها و بحران‌های متعدد و متفاوتی روبه‌رو بودند و زمان نزدیک به انتخابات پارلمانی 2018 عراق، فرصتی را فراهم ساخت تا برخی جریان‌های سیاسی، برنامه‌هایی را برای حل و فصل این چالش‌ها در قالب «گفتمان انتخاباتی» ارائه دهند.

یکی از مهم‌ترین این گفتمان‌ها، در میان طیف شیعی، گفتمان «اکثریت سیاسی» است که به وسیله نوری مالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون و نیروهای عضو این ائتلاف نظیر «عزت شابندر» مطرح گردید.

برای فهم دال‌های اصلی این گفتمان انتخاباتی، نیازمند تحلیل محتوای سخنان نوری مالکی و شخصیت‌های تأثیرگذار در این ائتلاف پیرامون موضوع «اکثریت سیاسی» هستیم. نوری مالکی، نخست‌وزیر پیشین عراق در اظهاراتی با اشاره به مشکلات پیش روی عراق بعد از سال 2003، راه‌حل خروج از این چالش‌ها و بحران‌ها را تحقق گفتمان خود یعنی گفتمان اکثریت سیاسی می‌داند. بدیهی است که ائتلاف دولت قانون مسیر اجرای گفتمان خود را از دریچه انتخابات پارلمانی در مرحله نخست، تشکیل ائتلاف‌ها و هم‌پیمانی با جریانات سیاسی که از لحاظ فکری به این ائتلاف نزدیک هستند و در نهایت تشکیل دولت بر مبنای اکثریت سیاسی می‌بیند.

نوری مالکی با اشاره به اینکه گفتمان اکثریت سیاسی پروژه‌ای ملی است که تمامی عراقی‌ها راتحت خیمه وطن دربرگرفته و آنها را از سهمیه‌بندی و توافق‌گرایی میان جریانات سیاسی نجات می‌دهد، بیان می‌دارد: «اکثریت سیاسی منجر به روی کار آمدن

1. البته پس از قضایای مرتبط با «خیام اعتراضات»، سید عمار حکیم در تلاش بود تا با طرح «آشتی ملی» یا به اصطلاح «سلم الوطنی»، پرچمدار ملی‌گرایی و عبور از طایفه‌گرایی باشد؛ طرحی که با ارائه طرح طرف مقابل یعنی اهل سنت، تا حدودی به فراموشی سپرده شد، هر چند حمایت سازمان ملل را نیز با خود داشت.





دولتی قوی و بهبود وضعیت اقتصادی و خدمات‌رسانی می‌گردد، بدون حکومت اکثریت نمی‌توان وضعیت امنیتی، اقتصادی و خدمات‌رسانی را بهبود بخشید. بدون حکومت اکثریت، آبادانی و خدمات وجود نخواهد داشت.»

شایان یادآوری است که از نگاه طرفداران گفتمان اکثریت سیاسی، تشکیل دولت‌های گذشته عراق از مقطع پسادام تا سال 2014 بر مبنای مشارکت همگانی، ضمن ایجاد سهمیه‌بندی در ساختار سیاسی، سبب می‌شود که اکثر جریان‌ها و احزاب بر وزارت‌خانه‌ها و ادارات مسلط شوند و این وضعیت، موجب فرصت برای سوءاستفاده از قدرت و ایجاد شرایط مغتنم شمردن فرصت برای انتقام‌جویی و یا سکوت رقبای حزبی در برابر هم شوند. (خبرگزاری ایسنا، 18 اردیبهشت 1397، با تلخیص و تصرف)

رئیس ائتلاف دولت قانون با اشاره به اینکه چالش پیش روی عراق در حال حاضر، نحوه و شکل اصلاح نظام سیاسی است بیان می‌دارد که اصلاح مسیر فرایند سیاسی و نجات از نظام سهمیه‌بندی، اساسی‌ترین مشکلی است که در مسیر آبادانی و خدمت‌رسانی به شهروندان وجود دارد. در سایه سهمیه‌بندی و توافق، ثبات، آبادانی و توسعه وجود ندارد. اکثریت سیاسی در اجرای فرایند اصلاح مسیر سیاسی نقش‌آفرینی خواهد کرد. وی بر این باور است که «سیستم سهمیه‌بندی قدرت در عراق موفق نبوده است و ما باید به سمت یک سیستم طبیعی که همه کشورهای جهان از آن پیروی می‌کنند، حرکت کنیم و آن همان سیستم اکثریت سیاسی است که به موجب آن همگان در حاکمیت مشارکت دارند. (پایگاه اینترنتی شبکه الکوثر، 22 اسفند 1396)

دبیر کل حزب‌الدعوه ویژگی‌های حکومت اکثریت سیاسی را این‌گونه می‌دارد: «اکثریت سیاسی منجر به ایجاد حکومتی قوی در راستای بهبود وضعیت خواهد شد. حکومت ایجاد شده در سایه اکثریت سیاسی قادر به تحقق بخشیدن به نام موضوعاتی است که حکومت‌های گذشته از تحقق آن ناتوان بودند. اکثریت سیاسی حکومت را به ما می‌دهد و حکومت، خدمات و آبادانی را، اکثریت سیاسی منجر به تشکیل حکومتی قوی خواهد شد که پارلمان منسجم و یکپارچه از آن حمایت می‌کند. (خبرگزاری ایسنا، 4 بهمن 1396، با تلخیص)

نوری مالکی مسیر تشکیل حکومت اکثریت سیاسی را بعد از انتخابات پارلمانی دانسته



و بیان می‌دارد: «ایجاد هم‌پیمانی‌ها برنامه بعدی ما برای تحقق اکثریت سیاسی است. این تحالفات سیاسی منجر به ایجاد فراکسیون پارلمانی قوی در مجلس خواهد شد و این فراکسیون اکثریت، حکومت را شکل خواهد داد.»

وی در دیدار با بزرگان و شیوخ استان واسط، مردم را به برگزیدن گفتمان اکثریت سیاسی دعوت کرده و بیان می‌دارد که نظام سهمیه‌بندی در عراق شکست خورده است و اکثریت سیاسی نیاز ملی، دینی و عقلی است و هر کسی خیر عراق را می‌خواهد، باید در راستای این گفتمان فعالیت کرده و گفتمان اکثریت سیاسی را در تشکیل حکومت آینده انتخاب نماید. نظام اکثریت سیاسی نظامی طبیعی است که در اکثر دموکراسی‌های پیشرفته دنیا وجود دارد. مالکی در واقع مشکل خدمات‌رسانی در عراق را بیش از آنکه به بحث بودجه و نوسان‌های اقتصادی مرتبط کند، آن را در چارچوب سیاسی ارزیابی می‌کند؛ به گونه‌ای که در جمع مردم «الهندیه» اظهار داشته است: «عراق، نعمت‌های فراوانی دارد و بودجه آن نیز مناسب و کافی است. با این حال به اراده مستحکم و دولت دارای توانایی خدمات‌رسانی به ملت نیاز داریم». (خبرگزاری کردپرس، 14 اردیبهشت 1397)

جدول زیر بیانگر مهم‌ترین دال‌های گفتمان اکثریت سیاسی است.

دال‌های گفتمان انتخاباتی دولت قانون (اکثریت سیاسی)

ردیف	دال
1	مسیر اصلاح فرایند سیاسی در عراق از رهگذر اکثریت سیاسی
2	اکثریت سیاسی پیش شرط آبادانی و توسعه و خدمات‌رسانی
3	حکومت اکثریت سیاسی پیش شرط ایجاد حکومتی قوی و منسجم با پارلمان
4	اکثریت سیاسی نیاز ملی، دینی، عقلی و عملی
5	تنها مسیر خروج کشور از چالش‌هایی (مانند سهمیه‌بندی) که با آن روبه‌رو است اکثریت سیاسی است
6	اکثریت سیاسی نظامی تجربه شده در دموکراسی‌های پیشرفته دنیا است

البته بدیهی بود که گفتمان انتخاباتی ائتلاف دولت قانون در قالب اکثریت سیاسی با مخالفت سایر جریان‌های سیاسی روبه‌رو شود و همان‌گونه که پیشتر یادآوری شد، صحنه





سیاسی انتخابات پارلمانی 2018 عراق در واقع، آوردگاه دو گفتمان اکثریت سیاسی و اکثریت ملی بود، که در ادامه به آن می‌پردازیم:

ائتلاف دولت قانون و مخالفان سرسخت گفتمان اکثریت سیاسی

مخالفان گفتمان سیاسی - انتخاباتی دولت قانون را می‌توان به 2 دسته تقسیم‌بندی نمود: دسته نخست معارضان و مخالفان داخلی است و دسته دیگر مخالفت بازیگران خارجی فعال و دارای نفوذ در صحنه عراق با این گفتمان انتخاباتی است.

جریان‌های سیاسی داخلی عراق با طرح گفتمان‌های جایگزین تلاش کرده‌اند تا با دعوت ائتلاف دولت قانون برای انتخاب و اجرای این طرح، مقابله کنند. شاید بزرگ‌ترین معارض این گفتمان نیروهای سیاسی شیعه باشند. نوری مالکی با مخالفت گسترده با گفتمان اکثریت سیاسی حتی از سوی هم حزبی‌های خود در حزب‌الدعوه روبه‌رو بوده است. در این زمینه شاید بزرگ‌ترین معارض گفتمان سیاسی وی نخست‌وزیر وقت عراق یعنی حیدر العبادی باشد، تا جایی که اعلام کرد: «من اکثریت سیاسی که تلاش دارند، دیگران را کنار زده و به امتیازهای گروهی و حزبی، دست پیدا کنند، را تأیید نمی‌کنم.» (خبرگزاری مهر، 26 اسفند 1396) گفتمان بدیل حیدر العبادی در مقابل گفتمان اکثریت سیاسی نوری مالکی گفتمان توافق سیاسی و استمرار مسیر گذشته است.

حیدر العبادی در مراسم روز شهید که به مناسبت شهادت شهید سید محمدباقر حکیم برگزار گردید با انتقاد از گفتمان اکثریت سیاسی مخالفت آشکار خود را با این گفتمان اعلام و بیان نمود:

«ما با توافق سیاسی هستیم که در راستای منافع و مصالح شهروندان باشد. و نه به دنبال امتیازات و مناصب از سوی دیگر ما با اکثریت سیاسی‌ای هستیم که قدرت کشور را حفظ کند و با اکثریتی نیستیم که به دنبال مناصب و به حاشیه راندن دیگران است.» (خبرگزاری فارس، 26 اسفند 1396)

در درون بیت شیعه یکی دیگر از معارضان گفتمان سیاسی ائتلاف دولت قانون، جریان حکمت ملی است. همان‌گونه که پیشتر آمد، جریان حکمت ملی با ارائه گفتمان اکثریت ملی سعی داشت تا دیگر جریان‌های سیاسی را از طیف‌های قومی - مذهبی دیگر

با خود همراه سازد. در گفتمان سیاسی جریان حکمت ملی اگرچه بر اصلاح مسیر فرایند سیاسی و خروج از سهمیه‌بندی با استفاده از مفهوم اکثریت تأکید شده است اما اکثریت مد نظر جریان حکمت ملی اکثریت سیاسی نیست بلکه اکثریتی ملی است که تمامی طوایف و مکونات عراق را دربرمی‌گیرد. عمار حکیم طی سخنانی اکثریت ملی را اکثریتی می‌داند که با دربر گرفتن تمامی قشرهای ملت عراق در پی به حاشیه راندن دیگر نیروهای سیاسی نیست. حکومت اکثریت ملی دربردارنده جریان‌های فراگیر در مصدر تصمیم‌گیری و همچنین معارضة قوی است که بر عملکرد و کارکرد حکومت، نظارت و در صورت نیاز با استفاده از قدرت نظارتی خود در راستای اصلاح کارکرد حکومت حرکت خواهد کرد. در واقع، گفتمان «اکثریت ملی»، نیز همانند گفتمان العبادی، استمرار مسیر گذشته است منتهی توأم با یک اپوزیسیون فراگیر در پارلمان.

جریان صدر نیز از دیگر نیروهای سیاسی معارض گفتمان انتخاباتی ائتلاف دولت قانون در قالب اکثریت سیاسی است. حتی جریان صدر را می‌توان، اولین جریان نامید که گفتمان اکثریت ملی را طی سالیان گذشته و پیش از طرح این موضوع از سوی جریان حکمت ملی مطرح ساخته است. در این زمینه در کمپین انتخاباتی جریان احرار در سال 2014 میلادی و پیش از انتخابات سومین دوره پارلمانی عراق، این جریان خواستار شکل‌گیری حکومت اکثریت ملی بدون وجود هر گونه سهمیه‌بندی طایفی و اصلاح مسیر سیاسی شده بود.

شیخ صلاح العبیدی، سخنگوی رسمی جریان صدر ضمن حمایت از گفتمان اکثریت ملی بیان می‌دارد: «بهترین مسیر اداره دولت و حکومت از طریق روی کار آمدن حکومت اکثریت ملی می‌گذرد. هیچ طرفی نمی‌تواند در حکومت یکه‌تاز باشد. زیرا تجربه، شکست حکومت‌های مبتنی بر طایفه‌ای معین با حکومت‌های تک حزبی انحصارطلب را ثابت کرده است. حکومت اکثریت ملی تمامی اقشار و طوایف ملت عراق را دربر گرفته و براساس منافع و مصالح ملی و نه منافع و مصالح حزبی و گروهی فعالیت خواهد کرد.» (پایش، شماره 6، 17 اردیبهشت 1397)

مقتدی صدر نیز در پاسخ به سؤالات یکی از مقلدین شهید محمد صادق صدر پیرامون اکثریت سیاسی با رد این گفتمان بیان داشت: «من با اکثریت سیاسی در حال



حاضر نیستم و برخی سیاستمدارانی که دچار توهم شده‌اند، گمان می‌کنند می‌توانند برای تحمیل فساد بیشتر خود به آن دست یابند.»

اهل سنت نیز نگاه مثبتی به گفتمان اکثریت سیاسی که ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی رهبری می‌کند، ندارند. و براساس نظر اهل سنت، اکثریت سیاسی مورد نظر نوری مالکی اکثریتی طایفی است که با محوریت شیعه و در راستای به حاشیه راندن اهل سنت شکل می‌گیرد. در زمینه نگاه اهل سنت به گفتمان اکثریت سیاسی بررسی آرای شخصیت‌های سیاسی اهل سنت ضروری است.

اسامه نجیفی، رئیس ائتلاف قرار العراقی با رد هر گونه اکثریت سیاسی بیان می‌دارد: «گفتمان اکثریت سیاسی به معنای یکه‌تاز بودن حزب، طایفه یا شخص واحد در اداره دولت است. ضرورت امروز، تشکیل حکومت براساس شراکت ملی است و نه حکومت اکثریت سیاسی. حکومت مشارکت ملی تمامی مکونات عراق را شامل می‌شود و قادر به تحقق نیازمندی‌ها و مطالبات و بهبود وضعیت شهروندان خواهد بود. حکومت مشارکت ملی در راستای یکپارچگی، امنیت و صلح در عراق می‌باشد.»¹ (پایش، شماره 6، 17 اردیبهشت 1397، با تلخیص و تصرف)

البته شخصیت‌های سیاسی و جریان‌های سیاسی اهل سنت نگاه واحدی به گفتمان اکثریت سیاسی ندارند و در مقابل موضع انکار این گفتمان سیاسی برخی شخصیت‌های سیاسی اهل سنت قائل به نوعی اکثریت سیاسی همراه با توافق هستند. در این زمینه می‌توان به سخنان سلمان الجمیلی، وزیر تجارت عراق اشاره کرد وی در زمینه گفتمان اکثریت سیاسی بیان می‌دارد:

«انتخابات سیاسی این دوره و نتایج آن متفاوت از دوره‌های گذشته خواهد بود. برنامه آینده ما برای عبور از بحران و اداره دولت ترکیبی از اکثریت سیاسی همراه با توافق خواهد بود.» (پایش، همان)

اگراد نیز مانند اهل سنت نگاه مثبتی به گفتمان اکثریت سیاسی ندارند شاید یکی از

1. موضوع جالبی که باید به آن اشاره داشت، آن است که همین نیروهای سیاسی که در حال حاضر مخالف گفتمان اکثریت سیاسی هستند، خود روزی داعیه‌دار این گفتمان سیاسی بوده‌اند و به عنوان مثال اسامه نجیفی در سال 2014 در زمان انتخابات سومین دوره پارلمان عراق با حمایت از گفتمان اکثریت سیاسی خواستار ایجاد حکومت اکثریت سیاسی برای عبور از بحران‌های عراق شده است.

دلایل مخالفت اهل سنت و کردها با این گفتمان و تشکیل حکومت اکثریت سیاسی طرح آن از سوی نوری مالکی باشد و در صورتی که شخص یا جریان دیگری این گفتمان را مطرح می‌ساخت، احتمال اینکه، این گفتمان مورد قبول اهل سنت و اکراد قرار می‌گرفت، بیشتر بود.

نقاط قوت و ضعف گفتمان نوری مالکی برای حل چالش‌ها

اگرچه گفتمان اکثریت سیاسی در کشورهای دموکراتیک برای مدت زمان طولانی آزمون خود را پس داده است و از رهگذر کاربست این گفتمان در عرصه دولت‌سازی، شاهد شکل‌گیری دولت‌هایی قوی و همچنین معارضه‌ای کارآمد که مکمل این دولت قوی به شمار می‌آید، هستیم؛ نظامی سیاسی که منجر به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بهینه و سریع، اجرای برنامه اصلاحات سیاسی و اقتصادی به بهترین نحو و همچنین وجود نوعی نظارت مستمر بر کارکرد و عملکرد حکومت و تصحیح اشتباهات حکومت در مسیر حرکت خود می‌شوند. اما باید این نکته را مد نظر قرار داد که گزینش نوع نظام سیاسی اکثریتی یا توافقی بیش از هر چیز به ساخت اجتماعی جامعه هدف نیز بستگی دارد.

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا در شرایط فعلی امکان اجرای این گفتمان سیاسی در جامعه عراق که دارای بافتی موزاییکی و غیرهمگن با وجود قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی و مذهبی است، وجود دارد؟ پیش از پاسخ دادن به این سؤال باید به موانعی که پیش روی این گفتمان است، اشاره شود:

در زمینه موانع پیش روی شکل‌گیری حکومت اکثریت سیاسی در عراق می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

✓ یکی از موانعی که پیش روی اجرای گفتمان اکثریت سیاسی در عراق وجود دارد، بافت غیرهمگن جمعیتی است. وجود قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی و مذهبی که هر کدام از آنها دارای مطالبات خاص خود هستند، زمینه نزدیکی جریان‌های سیاسی مرتبط با طیف‌های کلان قومی - مذهبی و اقلیت‌ها را به یکدیگر بیش از پیش دشوار نموده و بر همین اساس هر یک از جریان‌های سیاسی در راستای تحقق منافع و مصالح طایفه و قومیت خود حرکت خواهد کرد.



✓ مشکل دیگری که پیش روی اجرای گفتمان اکثریت سیاسی در عراق قرار دارد، عدم وجود هویت ملی و وجود خرده هویت‌های قومی و مذهبی است که در حال حاضر این خرده هویت‌ها یا هویت‌های فرعی بر هویت ملی غلبه دارد و وجود این هویت‌ها، امکان نزدیکی و تقارب جریان‌ها را سخت می‌سازد. در کشورهای دموکراتیک اگرچه جامعه، دارای بافت ناهمگن است اما وجود هویت اصلی و غلبه آن بر هویت‌های فرعی منجر به شکل‌گیری گفتمان اکثریت سیاسی شده است.

✓ موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، آن است که هیچ نوع برنامه‌ای در سطح ملی که منجر به نزدیکی طیف‌ها و جریان‌ها در راستای تشکیل حکومت اکثریت سیاسی شود، وجود ندارد. حتی در جریان‌ها درون مکونی چون شیعه نیز یک برنامه واحد که منجر به ایجاد اکثریت شود، وجود ندارد، فقدان چنین برنامه‌ای نیز خود از موانع شکل‌گیری حکومت اکثریت سیاسی است. اساس شکل‌گیری یک اکثریت سیاسی دارا بودن دیدگاه واحد، هدف مشترک یا برنامه واحد است که در حال حاضر چنین برنامه‌ای وجود ندارد.

✓ فرهنگ سیاسی در عراق فرهنگ سیاسی تبعی است و هنوز میان آگاهی سیاسی جامعه و حتی بسیاری از نخبگان سیاسی این کشور تا حد مطلوب فاصله بسیار زیادی وجود دارد. فقدان این شعور و آگاهی نیز خود از موانع تشکیل حکومت اکثریت سیاسی است.

✓ موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که شرایط سیاسی عراق پس از سقوط صدام به گونه‌ای رقم خورد که به نوعی عدم اعتماد و بی‌اعتمادی طیف‌های قومی - مذهبی به یکدیگر و همچنین بی‌اعتمادی جریان‌های سیاسی به یکدیگر دامن زد. مبنای شکل‌گیری اکثریت، اعتماد متقابل است و در شرایط بی‌اعتمادی نمی‌توان مبنایی برای تشکیل یک حکومت اکثریت سیاسی جست‌وجو کرد.

✓ نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، عرفی بودن ساختار نظام سیاسی در عراق است. در قانون اساسی عراق فقط نوع نظام پارلمانی قید شده و نظام توافق مبنایی کاملاً عرفی دارد که هیچ اساس قانونی ندارد. اما همین مبنای عرفی تبدیل به رویه‌ای شده است که در مدت 15 سال مورد تجربه قرار گرفته و به راحتی نمی‌توان ساختار آن را منهدم کرد. با توجه به وضعیت سیاسی عراق، هر گونه تغییر ناگهانی در این ساختار

عرفی می‌توان خود به آشوب و هرج و مرجی پیش‌بینی نشده بیانجامد.

✓ موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، آن است که با مطالعه نظام‌های سیاسی درمی‌یابیم که نظام اکثریت سیاسی در کشورهایی که دارای نظام سیاسی ریاستی یا نظام پارلمانی دو حزبی هستند، اجرا شده است. با توجه به نظام پارلمانی عراق و تکرر سیاسی فزاینده جریان‌های سیاسی در این کشور، امکان تشکیل یک حکومت دو حزبی که یکی در مقام تشکیل دولت و مسلط بر کابینه باشد و دیگری در مقام معارضه و اپوزیسیون، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

✓ موضوع دیگری که باید به آن توجه کرد، آن است که گفتمان اکثریت سیاسی اگرچه دارای مزایای بسیاری است اما باید به این نکته توجه داشت که یکی از مبنایهای شکل‌گیری اکثریت سیاسی در عراق با توجه به وجود ساختار توافقی عراق، اجماع بین طیف‌های عمده و همچنین با توجه به نفوذ و حضور بازیگران خارجی یا اجماع بین بازیگران خارجی است. در حال حاضر هیچ‌گونه اجماعی میان بازیگران داخلی مبنی بر تشکیل حکومت اکثریت سیاسی وجود ندارد و حتی مخالفت جدی نیز وجود دارد و فراتر از آن، هیچ‌گونه اجماعی میان بازیگران خارجی پیرامون شکل‌گیری حکومت اکثریت سیاسی به رهبری ائتلاف قانون و به ریاست نوری مالکی وجود ندارد.

در مجموع با توجه به ساخت اجتماعی عراق و شرایط ساختاری این کشور اجرای این گفتمان و تشکیل حکومت اکثریت سیاسی به رهبری ائتلاف دولت قانون دور از ذهن به نظر می‌رسد. البته چنانچه چنین موضوعی از سوی شخصیتی دیگر، غیر از مالکی طرح می‌شد، - احتمال اینکه با اقبال بیشتری در انتخابات 2018 م به‌ویژه از سوی سایر جریان‌های سیاسی روبه‌رو می‌شد - بیشتر بود. (پایش، شماره 6، 17 اردیبهشت 1397، با تلخیص و تصرف)

با این اوصاف، به نظر می‌رسد مهم‌ترین عواملی که سبب ناکامی و عدم اقبال افکار عمومی به چنین گفتمان‌هایی شده‌اند عبارت‌اند از:

1. جامعه به دنبال حل و فصل مسائل فوری و ملموس خود است تا مباحث علمی و آکادمیک نظیر گفتمان‌ها؛ بنابراین این گفتمان‌ها، ابتدا باید در محافل علمی - دانشگاهی و در جمع نخبگان، مورد توجه قرار گیرند و سپس در سطح افکار عمومی مطرح شوند.





2. چهره‌های قدیمی - که از مقطع پساصدام در ساختار قدرت بودند - این گفتمان‌ها را مطرح کرده‌اند که اولاً جامعه و مرجعیت، نسبت به عملکرد آنها، دیدگاه مثبتی ندارد، در ثانی، زمانی که خود در اوج قدرت بوده‌اند، این دیدگاه‌ها را مطرح نکرده‌اند، هر چند ممکن است تصور شود در فکر ارائه یا طرح آن بوده‌اند.

3. تعداد آراء و کرسی‌های آنها (بین 20 تا 25 کرسی) نشان می‌دهد جامعه شیعی در حال حاضر تمایلی به تغییر در ساختار قدرت ندارد و یا برای آن اولویتی قائل نیست. البته احتمال اینکه جامعه شیعی نیز نگران باشد، متصور است؛ نگرانی از این بابت که تغییر در ساختار قدرت، ممکن است به از دست دادن کل یا بخشی از قدرت از سوی شیعیان منجر شود، بنابراین می‌توان گفت که اقبال عمومی کم نسبت به گفتمان‌های یادشده در انتخابات 2018، حاکی از نوعی نگرانی جامعه شیعی نیز قلمداد می‌شود.

علیرغم همه این تفاسیل، باز هم باید گفت که شخصیت قوی و کاریزماتیک مالکی، به مثابه چهره اول سیاسی در عراق، هنوز برتری دارد و آرای بالای صدهزار نفری وی، حاکی از این موضوع است، هر چند در مقوله گفتمانی، می‌توان گفت استقبال و اقبال از «ائتلاف دولت قانون» نسبت به انتخابات گذشته کاهش داشته است. البته باید در نظر گرفت که بسیاری از احزاب و گروه‌هایی که پیشتر در قالب این ائتلاف در انتخابات گذشته بودند، در انتخابات پارلمانی 2018، از ائتلاف دولت قانون جدا شده بودند.

ابعاد و شاخص‌های انتخابات پارلمانی 2018

این موضوع، البته از باب کم اهمیت بودن موضوع ساختار قدرت برای جامعه عراق، قلمداد نمی‌شود ولی به نظر می‌رسد جامعه عراق به‌ویژه شیعیان، حل و فصل چالش‌های مرتبط با این کشور را نه در گفتمان «اکثریت سیاسی» نوری مالکی و نه در «گفتمان اکثریت ملی» سید عمار حکیم جست‌وجو می‌کنند، بلکه در اقدامات عملی و شعارهای انتخاباتی جریان صدر (ائتلاف سائرون)، ائتلاف الفتح و همچنین ائتلاف النصر جست‌وجو می‌کنند؛ به گونه‌ای که برای جامعه عراق، ایجاد امنیت و مبارزه با فساد دو اولویت مهم‌تر نسبت به مهندسی مجدد ساختار قدرت است.

البته آنچه مسلم است اینکه به نظر می‌رسد مشکل و چالش زیربنایی عراق، همان



است که در «گفتمان اکثریت سیاسی» نوری مالکی و عبور از سهمیه‌بندی‌ها در ساختار قدرت مطرح شده است، ولی همان‌گونه که پیشتر علل عمومی عدم اقبال افکار عمومی به دو گفتمان مهم بیت شیعی را بیان کردیم، باید در ادامه، علل عدم اقبال افکار عمومی به این موضوع را بیشتر بررسی کنیم؛ به گونه‌ای که همین مقوله خود جزو مهم‌ترین آموزه انتخابات پارلمانی 2018 عراق نیز به شمار می‌رود.

آنچه مسلم است اینکه به نظر می‌رسد علاوه بر مقتضیات مقطع زمانی پساداعش (با به عبارت بهتر پیروزی بر داعش)¹، حساسیت نسبت به موضوع امنیت‌سازی بر مبنای «تئوری امنیت مردم پایه»، یکی از علل اصلی پیروزی جریان‌های وابسته به مقاومت به شمار می‌رود ولی در یک قالب کلی در میان شیعیان و حتی تا حدودی اهل سنت، جریان‌هایی که پرچم مقابله با داعش و در وهله بعدی مبارزه با فساد اداری را بلند کرده بودند، نسبت به سایر جریان‌ها، از میزان آرا و کرسی‌های نسبتاً بهتری در پارلمان آینده برخوردار شده‌اند.

البته در این دوره انتخاباتی به نسبت دوره‌های پیشین، درصد میزان مشارکت بسیار پایین‌تر بود و به نظر می‌رسد، این موضوع در میان جامعه عراق (متشکل از تمام طیف‌های قومی-مذهبی) دارای علل متعددی باشد ولی مهم‌ترین عامل را می‌توان در دو مقوله ناامیدی از خدمات‌رسانی در ابعاد معیشتی، بهداشتی حکومت‌های تشکیل شده پیشین و ناکامی چهره‌های بارز سیاسی عراق از 2003 تاکنون به علاوه پیام مرجعیت در آستانه برگزاری انتخابات جست‌وجو کرد. بر همین اساس، بررسی پیام مرجعیت، کاتالیزور مهمی در کم و کیف نتایج انتخابات به شمار می‌رود.

نقش مرجعیت دینی در انتخابات 2018 و انتخابات گذشته

پرواضح است که تغییر و تحولات ساختار حقوقی - سیاسی عراق نوین، به باز تعریف نقش مرجعیت دینی در حوزه سیاست این کشور کمک کرد و البته مرجعیت خود نیز در

1. البته از دیدگاه برخی از کارشناسان، هنوز نامگذاری برای مرحله‌ای به عنوان پساداعش زود است، چرا که بقایای جریان سلفی - تکفیری داعش هنوز در عراق (منطقه) وجود دارند و در قالب هسته‌های پنهان، فعالیت می‌کنند. در این خصوص، سیاست زیرکانه آمریکایی‌ها در باقی ماندن در عراق قابل تأمل است. آنها هنوز «پیروزی بر داعش» و «پایان داعش» را اعلام نکرده‌اند تا تداوم حضور و فعالیت خود را توجیه کنند.





پایه‌ریزی ساختار سیاسی نوین، نقشی مهم داشت. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که با توجه به شاخصه‌هایی نظیر «بافت عشیره‌ای- قبیله‌ای»، «تکثر اقوام، مذاهب و ادیان» در جامعه عراق به علاوه حضور و فعالیت بازیگران متعدد نظیر آمریکایی‌ها، پیش و پس از طرح‌ریزی ساختار نوین حقوقی حاکمیتی عراق، این ساختار نه کاملاً در جهت «سکولاریسم» و «علمانیت» مبتنی بر آموزه‌های لیبرالیسم غربی سوق یافته و نه کاملاً بر مدار دینی می‌چرخد؛ بنابراین علیرغم تلاش آمریکایی‌ها برای گنجاندن «مبانی سکولاریسم، لیبرالیسم و آموزه‌های حقوق بشری غربی - آمریکایی» در قانون اساسی و نهادهای حقوقی - حاکمیتی عراق، تلاش‌های مراجع و علمای طراز اول دینی (به‌ویژه مرجعیت دینی آیت‌الله سیستانی)، به مثابه مانعی محکم در برابر آنها ظاهر شد و آنها نتوانستند ساختار حقوقی- حاکمیتی مطلوب خود را در عراق بنا نهند. ... به همین سبب ساختار قدرت در عراق نوین را نه می‌توان کاملاً سکولار و نه کاملاً دینی خواند، لیکن آنچه مسلم است آنکه با توجه به شاخصه‌های برشمرده شده برای جامعه عراق، غلبه با دین است و «انتخابات‌های پارلمانی» و «شوراهای استانی» در سال‌های پس از 2003 تاکنون این موضوع را به اثبات رسانده است... از همین رو، با دقت و مطالعه در تاریخ گذشته عراق به ویژه پس از استقلال در سال 1932، می‌توان به خوبی نقش علما و مراجع دینی را در هدایت و رهبری قیام‌های ضداستعماری و ضد استبدادی مشاهده کرد. مرجعیت و علمای دینی - مذهبی در عراق همواره از ستون‌ها و ارکان جامعه دینی و همچنین «عامل بازدارنده سکولاریزاسیون» بوده‌اند که طی قیام 1920 با نام «ثوره العشرین» علیه استعمار انگلیس، «انتفاضه شعبانیه» اوایل دهه 1990 علیه استبداد داخلی و «تأکید بر برگزاری انتخابات به صورت سراسری و با شعار هر عراقی، یک رأی» و سپس «فتوای جهاد علیه افراط‌گرایی سلفی - تکفیری در 2014» توانسته‌اند اقتدار و نفوذ معنوی خود را فراتر از ساختار حقوقی - حاکمیتی دولت‌های حاکم، نمایان سازند. (افشون، 1394؛ با تلخیص و بازنویسی)

علیرغم همه چالش‌ها، نقش مرجعیت در مقطع پس‌اصدام مستمر بوده است و بررسی پیام مرجعیت در آستانه برگزاری انتخابات 2018 حاکی از آن است که برخلاف برخی نظرات کارشناسی مبنی بر عدم مداخله نهاد دینی در حوزه سیاست در عراق، هنوز مرجعیت دینی در قالب توصیه و پیام، نقش خویش را در عرصه سیاست ایفا می‌کند؛ البته



تصور اینکه نهاد دینی (مرجعیت) در عراق نهادی فراحکومتی یا فروحکومتی است، اشتباه است؛ همان‌گونه که این سخن نیز که «مرجعیت دینی از امور سیاسی کنار کشیده و هیچ‌گونه دخالتی در این امور نداشته است»، تحلیلی دقیق و کارشناسانه نیست.

البته آنچه مسلم است آنکه، با توجه به شکل گرفتن حکومت در عراق از مدارهای قانونی - انتخاباتی، به نظر می‌رسد مرجعیت دینی همانند مقطع پس‌اصدام تا مقطع هجمه داعش به بخش‌هایی از جغرافیای عراق، دیگر احساس تهدید جدی برای برهم خوردن «نظم سیاسی نوین مستقر» ندارد و دغدغه‌های ایشان از دغدغه‌های امنیتی به دغدغه‌های معیشتی برای جامعه و حکومت، تداوم مسیر داده است. بر این اساس، بررسی پیام مرجعیت پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی 2018 و تأثیر آن بر فرایند سیاسی در آینده و حتی شکل‌گیری دولت آتی ضرورت دارد.

با اوصاف یادشده، شیخ عبدالمهدی کربلایی، نماینده مرجعیت در تاریخ 14 اردیبهشت 1397 در خطبه‌های نماز جمعه کربلا با قرائت بیانیه آیت‌الله سیستانی در خصوص انتخابات اظهار داشت: «مرجعیت عالی دینی معتقد است که مشارکت در انتخابات حق هر شخصی است که شرایط لازم را داشته باشد و نمی‌توان کسی را وادار به شرکت در انتخابات کرد» (خبرگزاری پانا، 14 اردیبهشت 1397) همچنین کربلایی تأکید کرد که مرجعیت دینی از هیچ حزب و نامزدی در انتخابات حمایت نمی‌کند و موضع یکسانی در قبال همگان دارد. در ادامه ایشان نسبت به انتخاب شکست‌خوردگان و فاسدان در انتخابات هشدار داد و گفت: «مرجعیت اجازه نمی‌دهد که از نامش در انتخابات سوءاستفاده شود.» (خبرگزاری ایسنا، 14 اردیبهشت 1397)

آنچه مسلم است اینکه این پیام صرفاً در خصوص انتخابات پارلمانی 2018 صادر نشده و نوعی ارزیابی مرجعیت را نیز نسبت به روند سیاسی و حکومتی عراق از مقطع پس‌اصدام به علاوه چشم‌انداز مطلوب از نظام سیاسی مورد تأیید مرجعیت، مسئولیت‌های شهروندان و معیارهای مشارکت سیاسی آنها به همراه دارد. (نیک‌منش، 25 اردیبهشت 1397)

جزئیات و محتوای پیام مرجعیت

پیام مرجعیت که برای بیان مواضع خویش در پاسخ به پرسش‌های مکرر مردم اعلام





شده، دارای سه بخش است:

◀ بخش اول

- مبانی، اصول و چارچوب نظام سیاسی مطلوب؛
- اصرار مرجعیت بر پایان دادن به سلطه اشغالگران و اعطای فرصت به عراقی‌ها برای تعیین سرنوشت خود؛
- ارزیابی نظام سیاسی کنونی پس از گذشت 15 سال از تشکیل آن؛
- شرایط لازم برای اینکه نظام انتخابات به نتیجه مطلوب برسد؛
- علل ناکامی و عدم موفقیت تجارب انتخاباتی گذشته.

◀ بخش دوم

- اعلام اختیاری بودن مشارکت شهروندان در انتخابات و عدم اصرار بر مسئله مشارکت به عنوان یک تکلیف؛
- بنابراین تصمیم‌گیری نهایی در خصوص مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات برعهده تشخیص خود آنها گذاشته شده است.

◀ بخش سوم

- اعلام قرار داشتن مرجعیت در فاصله مساوی با همه نامزدها و فهرست‌های انتخاباتی؛
 - معیارهای انتخاب نامزد اصلح.
- نکته مهمی که در پیام مرجعیت نهفته است و می‌توان اذعان داشت که به همراه علل و عوامل دیگری نظیر: عدم خدمات‌رسانی و بهبود معیشت مردم، فساد اداری و سوءاستفاده از قدرت توسط برخی از مقامات و مسئولان حکومتی ادوار گذشته و... کاتالیزوری در راستای کاهش مشارکت در این دوره گردید، اشاره مرجعیت به حق مشارکت‌کنندگان در انتخابات و نه تکلیف آنها بود. بنابراین برای قاطبه مردم و مشارکت‌کنندگانی که پیام مرجعیت را آویزه گوش خود کردند در این بخش از پیام «روشن است که مسیر انتخابات به نتیجه مطلوب و مورد قبول نمی‌رسد، مگر اینکه

شرایط زیر محقق شود:

1. قانون انتخابات عادلانه وجود داشته باشد و در آن حرمت رأی‌دهندگان حفظ شود.
2. رقابت فهرست‌های انتخاباتی براساس برنامه‌های اقتصادی، آموزشی و خدماتی قابل اجرا و دور از تحریکات قومی - مذهبی و تبلیغات بی‌پایه باشد.
3. از مداخله خارجی در انتخابات از طریق حمایت مالی یا روش‌های دیگر جلوگیری گردد و مجازات عوامل این اقدامات تشدید شود.

4. رأی‌دهندگان نسبت به ارزش رأی خود و نقش مهم آن در ترسیم آینده کشور آگاهی داشته باشند و آن را در برابر قیمت اندک یا برای پیروی از هوی و هوس و احساسات و منافع شخصی و یا منازعات قبیله‌ای و امثال آن واگذار نکنند.»

آنچه مسلم است اینکه، اکثریت مردم عراق به‌ویژه شیعیان مقلد و تابع مرجعیت هستند و از نظرات و فتاوی‌ای آن - هرگاه صادر شود - پیروی می‌کنند. از این رو، مرجعیت همچنان در کشور و جامعه عراق، دارای جایگاه رفیع و ارزشمند بوده و دیدگاه‌های ایشان تعیین‌کننده است. (نیک‌منش، همان) می‌توان گفت در این دوره از انتخابات، مرجعیت با اعلام «حفظ فاصله با کاندیداهای انتخاباتی، این تصور در افکار عمومی را پدید آورده است که ایشان به متن جامعه نزدیک‌تر شده‌اند.

با این اوصاف به نظر می‌رسد جمع‌ناامیدی مردم از جریان‌هایی که از مقطع پس‌اصدام در هرم حاکمیت بوده و یا در متن فرایند سیاسی قرار داشته‌اند و همچنین برداشت‌ها نسبت به پیام مرجعیت در این وضعیت، سبب کاهش میزان مشارکت در انتخابات اخیر به نسبت انتخابات‌های گذشته گردید.¹

نتیجه طبیعی این سخن، روشن است؛ به عبارت دیگر جریان‌هایی که دارای پایگاه اجتماعی نسبتاً ثابت بوده و آرای قشر خاکستری خیلی در نتایج انتخاباتی آنها تأثیرگذار نیست، معمولاً پیروز این میدان هستند. بنابراین می‌توان گفت کاهش مشارکت، قطعاً به سود جریانی نظیر جریان صدر رقم خورده است. البته ناگفته نماند جریان یادشده،

1. نسبت مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی 2018، طبق آخرین گزارش‌های رسمی کمتر از 45 درصد بوده است. این نسبت مشارکت، هر چند از نظر قانون اساسی برای به رسمیت شناختن نتایج انتخابات، کافی است ولی اگر آن را با انتخابات گذشته نظیر انتخابات سال‌های 2010 و 2014 مقایسه کنیم، حدود 15 تا 20 درصد کاهش داشته است.





بیشتر در مسیر «مبارزه با فساد» علاوه بر شعارهای تبلیغاتی، در عرصه عمل نیز وارد شد و اکثر اعضای فراکسیون احرار- فراکسیون متبوع جریان صدر در پارلمان - را در فهرست انتخاباتی جدید وارد نکرد، از این رو این موضوع به دلیل حساسیت‌های افکار عمومی جامعه عراق نسبت به مسئولان و نمایندگان قبلی، در کسب میزان آرا و کرسی‌های بیشتر در این دوره، تأثیرگذار بوده است. جریان یادشده در این دوره با کسب بیش از 50 کرسی نسبت به رقبای خود پیش‌تاز بود و پس از آن جریان وابسته به مقاومت، حائز کرسی‌های بیشتری گردید که یکی از دلایل آن، شکست تروریسم سلفی - تکفیری از سوی شاخه‌های نظامی متبوع این جریان در دوره پس از سال 2014 ارزیابی می‌شود؛ به گونه‌ای که جامعه عراق هنوز امیدوار است تا گروهی که در عرصه نظامی- امنیتی کارساز و کارآمد بوده است، می‌تواند در عرصه سیاسی نیز واجد دستاوردهایی شود و موضوع «مبارزه با فساد» و «بهبود خدمات‌رسانی» را به سرانجام برساند.

آرای قابل توجه ائتلاف النصر، حیدر العبادی نیز علاوه بر اینکه می‌تواند حاکی از «توان مدیریتی وی» در کسب رضایت همه جریان‌های سیاسی و طیف‌های قومی- مذهبی عراق باشد و همچنین تأثیری که اقدامات وی بر جامعه به سبب خواباندن غائله «همه‌پرسی اقلیم کردی» داشت، می‌تواند دلیلی بر تداوم مسیر گذشته و عدم احساس نیاز جامعه به سمت تغییر در ساختار قدرت نیز تلقی شود. در ادامه به مهم‌ترین دلایل و علل کاهش مشارکت مردم عراق¹ در انتخابات پارلمانی 2018 پرداخته می‌شود:

مهم‌ترین دلایل کاهش نسبت مشارکت مردم در انتخابات 2018

1. انگیزه‌های اصلی مردم برای مشارکت در انتخابات تقریباً از بین رفته بود. به عنوان مثال در میان کردها (به دلیل تحولات چند ماه گذشته و سرخوردگی از ناکامی برگزاری همه‌پرسی) شعارهای قومی دیگر تأثیری نداشت. در میان شیعیان و اهل سنت نیز بسیاری از مردم انگیزه‌های مذهبی مشارکت در انتخابات را به دلایل مختلفی از دست دادند.
2. گسترش فساد و پررنگ شدن گرایش‌های حزبی و خانوادگی و منافع شخصی و

1. مقوله کاهش مشارکت در انتخابات با مقوله عدم اقبال عمومی به گفتمان‌های مهم انتخاباتی شیعه، متفاوت است، هر چند ممکن است بر هم تأثیرگذار باشند.

عدم حل مشکلات مردم به ویژه معضلات معیشتی و بهداشتی توسط دولت‌های گذشته، مردم را نسبت به مشارکت در انتخابات و ایجاد تغییر مثبت ناامید کرده بود.

3. مداخله بازیگران خارجی و تبلیغات منفی، بخشی از عوامل مؤثر بر کاهش نسبت مشارکت مردم در انتخابات است.

4. برداشت‌های نادرست مردم از بیانات مرجعیت و شایع شدن این برداشت که مرجعیت خواستار رویگردانی مردم از انتخابات است. این برداشت نادرست در میان هیاهوی تبلیغاتی و رسانه‌ای و نارضایتی مردم از اختلاس‌ها و کمبود خدمات و غیره، به یکی از عوامل مهم کاهش نسبت مشارکت مردم در انتخابات تبدیل شد. به خصوص اینکه در خطبه مرجعیت به اصلاح‌طلبی پیامبران و انبیا و عهدشکنی مسئولین، سرمایه‌داران و سیاستمداران اشاره شده بود، که باعث شد مردم چنین برداشت کنند که مرجعیت به کلی از سیاستمداران و روند سیاسی کشور، ناامید شده است.

5. برنامه‌های انتخاباتی احزاب و ائتلاف‌های بارز کشور بسیار محدود و بی‌کیفیت بود، به عنوان مثال بسیاری از شعارها هیچ ارتباطی به مشکلات مردم نداشت و نمی‌توانست آنها را تا پای صندوق‌های رأی بکشانند. همچنین تبلیغات منفی احزاب و فراکسیون‌های سیاسی علیه یکدیگر، باعث تشدید بی‌اعتمادی مردم به احزاب حاکم و سیاستمداران شد.

6. اختلافات عمیق ایدئولوژیک و سیاسی میان احزاب سنی، شیعه و کرد نیز بسیار مؤثر بود. هر کدام از این گروه‌ها علاوه بر اینکه در سطح حکومتی و دولتی عملکرد قابل قبولی نداشتند، در سطح استان‌های خود نیز با کاهش محبوبیت مردمی مواجه شدند.

7. برخی بازیگران خارجی، در طول انتخابات‌های گذشته همایش‌ها و کنفرانس‌ها و برنامه‌های گسترده‌ای از طریق رسانه‌ها و مراکز بی‌طرف برای تشویق مردم به مشارکت در انتخابات برگزار می‌کردند اما در این انتخابات، نه از سوی برخی بازیگران خارجی و نه از سوی مراکز مؤثر و بی‌طرف، هیچ فعالیت و برنامه‌ای برای تشویق مردم به مشارکت در انتخابات انجام نشد. البته احزاب و فراکسیون‌ها همایش‌های تبلیغاتی بزرگ و پرهزینه‌ای را برگزار کردند، ولی باید توجه داشت که همایش‌های احزاب فقط بر هواداران و طرفداران و اعضای آنها تأثیر دارد و نمی‌تواند اقشار بی‌طرف (قشر خاکستری) سیاسی را برای مشارکت در انتخابات تشویق کند.



با این اوصاف همه کارشناسان و نهادهای رسمی داخلی و خارجی اذعان کرده‌اند که بخش بزرگی از مردم عراق (شیعه و کرد و سنی) تمایلی برای شرکت در انتخابات نداشتند. البته بی‌تمایلی مردم برای شرکت در انتخابات، نشان داد که هیچ یک از احزاب و ائتلاف‌های انتخاباتی شرکت‌کننده در انتخابات، از نظر محبوبیت و نفوذ اجتماعی برتری قابل توجهی نسبت به احزاب دیگر ندارند، زیرا اگر یکی از این احزاب محبوبیت چشمگیری داشت، انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات و رأی دادن به آن حزب بیشتر می‌شد.

از سوی دیگر تحریم انتخابات توسط مردم و به عبارت بهتر بی‌رغبتی برای مشارکت در انتخابات، فقط نتیجه تبلیغات منفی خارجی و داخلی و منطقه‌ای نبوده است، بلکه دلیل اصلی آن ناامیدی مردم از توانایی برخی احزاب سیاسی برای ایجاد تغییر چشمگیر و حل مشکلات کشور و جامعه است.

آنچه مسلم است آنکه انتخابات 2018 نشان داد که روند سیاسی عراق در سال‌های 2005 تا 2018 در یک مسیر نزولی قرار گرفته و مردم عراق که پشتوانه و ستون اصلی روند سیاسی بودند، در انتخابات 2018 انتخابات را تحریم کردند؛ به گونه‌ای که حتی بسیاری از جریان‌های دانشگاهی، فرهیخته و شخصیت‌های با نفوذ اجتماعی از طریق شبکه‌های مجازی و غیره، مردم را از مشارکت در انتخابات منصرف کردند. در این میان، به نظر می‌رسد، گفتمان‌های مهم شیعی، ابتدا باید در محافل علمی - آکادمیک پخته‌تر می‌شد و مورد آزمون قرار می‌گرفت و سپس به مثابه یک کالای تبلیغاتی-انتخاباتی به بازار افکار عمومی، ارسال می‌شد تا افکار عمومی جامعه با پشتوانه محکم‌تری با آن، مواجه می‌شد.

تحلیل فنی نسبت مشارکت

1. تقریباً (51%) از افراد واجد شرایط در انتخابات 2018 رأی ندادند، این نسبت در مقایسه با انتخابات‌های گذشته (20-30 درصد) بیشتر است. اما دلایل عدم مشارکت این نسبت (51%) از مردم در انتخابات، بسیار زیاد و متنوع هستند.
2. بخش قابل توجهی از این افراد (که در انتخابات شرکت نکردند) به دلایل فنی از



جمله فاصله زیاد مرکز رأی‌گیری یا مشکلات دستگاه‌های رأی‌گیری و زمان محدود انتخابات (تا 6 عصر) نتوانستند در انتخابات شرکت کنند. به خصوص اینکه در اکثر کشورهای جهان از جمله در عراق، بخش مهمی از مردم پس از این ساعت به مراکز رأی‌گیری مراجعه می‌کنند.

3. به استثنای رأی‌دهندگان به لیست سائرون که اکثر آنها جوان بودند، جوانان و دانشجویان عراقی اکثراً در انتخابات شرکت نکردند. از این رو، کاهش محبوبیت احزاب اصلی کشور باعث شد جریان صدر و احزاب دیگر با استفاده از خلأ به وجود آمده، آرای مردم را برای خود جمع‌آوری کند، ضمن اینکه چپ‌نشین لیست انتخاباتی آنها نیز نسبت به سایرین بهتر بود.

به هر حال، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، این اتفاق باعث خواهد شد که جریان صدر نقش مهمی در تغییر اصول و استراتژی‌های کلی روند سیاسی عراق و کم‌وکیف شکل‌گیری دولت آینده بازی کند.

بنابراین بدیهی است که در سال‌های آینده، روابط خارجی و سیاست‌های کلی داخلی کشور دستخوش برخی تحولات قرار می‌گیرد و برخی رفتارهای سیاسی عراق در حوزه روابط خارجی تحت تأثیر اندیشه‌ها و تفکرات رهبری جریان صدر قرار گیرد. البته احتمال اینکه جریان‌های بعثی و منحرف از طریق جریان صدر، وارد روند سیاسی و نهادهای کلیدی و مهم کشور شوند، نیز دور از ذهن نیست.

اعتراض به نتایج انتخابات

به طور کلی، شکست برای اغلب افراد در نگاه اولیه، پذیرفتنی و باورکردنی نیست ولی در انتخابات پارلمانی 2018 عراق، جریان‌ها و کاندیداهای بسیاری بودند که می‌توان گفت نسبت به سوابق و پیشینه انتخاباتی گذشته و میزان آرا و کرسی‌های گذشته، دچار شکست شدند، بر همین اساس، اکثراً توجهات را به سمت گزینه «اعتراض به نتایج انتخابات» و حتی «برگزاری مجدد انتخابات»، جلب کردند. این در حالی است که ائتلاف سائرون وابسته به جریان صدر با بی‌توجهی نسبت به چنین اعتراضاتی، از رایزنی برای تشکیل کابینه آتی خبر داده و بر رویکرد پدرانیه در تشکیل دولت آینده، اصرار دارد.





(خبرگزاری مهر، 2 خرداد 1397)

در همین زمینه حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق و رئیس ائتلاف النصر در شامگاه پنج‌شنبه سوم خرداد 1397، از تشکیل کمیته‌ای برای بررسی ادعاهای مطرح شده در خصوص تخلفات در انتخابات پارلمانی اخیر، خبر داد (سایت خبری - تحلیلی تابناک، 3 خرداد 1397)

اعتراض در طیف کردی نیز منجر به دیدار «برت مک گورک»، نماینده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ائتلاف آمریکایی ضد داعش با رهبران معترض در جنبش تغییر، ائتلاف دموکراسی و عدالت، اتحاد اسلامی کردستان و جماعت اسلامی کردستان عراق در سلیمانیه شد؛ به گونه‌ای که گورک از آنها خواسته بود تا پارلمان و روند سیاسی عراق را تحریم نکنند. (خبرگزاری مهر، 2 خرداد 1397)

علاوه بر این جریان‌ها، استان کرکوک از جمله مناطقی است که احزاب ترکمن و عرب سنی در خصوص وقوع تخلفات انتخاباتی از سوی احزاب کرد به کمیسیون عالی مستقل انتخابات شکایت کرده و خواستار بازشماری دستی آراء¹ شدند. (سایت خبری - تحلیلی تابناک، همان) همچنین برخی دیگر از کاندیداها نظیر سلیم الجبوری، که از راه یافتن به پارلمان در این دوره باز مانده است، نیز به نتایج انتخابات اخیر اعتراض کرده است.

با این حال، این اعتراض‌ها و حتی ابراز نارضایتی‌هایی که برخی از بازیگران نظیر آمریکا از نتایج انتخابات یاد شده دارند، به نظر نمی‌رسد جز در برخی موارد نظیر ابطال نتایج انتخابات خارج از کشور و بازشماری دستی درصدی از آرای مأخوذه، تغییر فاحشی در نتایج اعلام شده انتخابات، اتفاق بیفتد مگر اینکه ماهیت و کلیت انتخابات زیر سؤال رود. البته همان‌گونه که اشاره شد، کاهش مشارکت به سود برخی جریان‌ها و به زیان برخی دیگر از آنها رقم خورد و به نظر می‌رسد اندک تقلب‌های صورت‌گرفته در انتخابات، باعث نخواهد شد که ما چنین فرایندی را به طور کلی، زیر سؤال ببریم. نکته مهم در این میان، عملکرد نهادهای انتخاباتی و یا مراکز تصمیم‌گیری مهم در عراق نظیر دادگاه عالی

1. در این دوره از انتخابات، برخلاف دوره‌های پیشین، رأی‌گیری به صورت الکترونیکی و سیستم رایانه‌ای برگزار شد. براساس این سیستم که به «سیستم بایومتری» معروف است، بانک اطلاعاتی افراد از طریق اینترنت به روز می‌شود و شمارش آرا نیز به صورت الکترونیکی است تا هم میزان سلامت انتخابات بالا رود و هم سریع‌تر نتیجه انتخابات اعلام شود.



فدرال یا پارلمان است، که می‌تواند فضای سیاسی را متشنج یا تلطیف سازد. نکته قابل تأمل در شوکه شدن آمریکایی‌ها از نتایج انتخابات بود. براساس گزارش مجله «نشنال اینترست»، پیچیدگی سیاسی در عراق، آمریکایی‌ها را دچار اشتباه محاسبات کرده است؛ به گونه‌ای که جریان متبوع صدر و جریان الفتح هادی العامری در ردیف اول و دوم ائتلاف‌های پیروز در انتخابات قرار دارند که هر دو دارای صبغه «ضد آمریکایی» هستند و اقدامات و عملکرد آنها این موضوع را تأیید می‌کند. (خبرگزاری مهر، 31 اردیبهشت 1397) در این دوره از انتخابات هر چند ائتلاف دولت قانون و مجلس اعلای اسلامی، کرسی‌های کمی کسب کردند، ولی باز هم نگرانی‌ها در میان مقامات آمریکایی به سبب پیروزی جریان‌های دیگر ضد آمریکایی در میان شیعیان باقی ماند. از این رو، سر دادن برخی شعارها از سوی افرادی مانند ایاد علاوی در راستای تشکیل «دولت نجات ملی» می‌تواند در چارچوب برنامه‌های آمریکایی‌ها نیز قرار گیرد. به هر حال، آنچه مسلم است اینکه، انتخابات در عراق از مقطع پس‌اصدام، به طور کلی سرنوشت حکومت و کم و کیف شکل‌گیری آن را برای حداقل 4 سال مشخص می‌کند و به نظر می‌رسد انتخابات پارلمانی 2018 نیز از این قاعده مستثنی نیست، مگر اینکه روند تحولات به سمت‌های دیگری نظیر: «برگزاری مجدد انتخابات» یا زیر سؤال رفتن نهادهای انتخاباتی و تغییر قوانین و امثالهم پیش رود و یا اینکه در بازشماری آراء به صورت دستی، (چه درصدی از آن و چه کل آن) فضای مسالمت‌آمیز به فضای تنش و تخریب تبدیل شود و برخی گروه‌ها و جریان‌ها، برنامه‌های خود را از مجاری و کانال‌های غیرقانونی دیگری دنبال کنند.

بر این اساس، برگزاری انتخابات پارلمانی اخیر با همه فراز و نشیب‌های آن، سرنوشت سیاسی عراق را در مقطع پس‌اصدام تعیین خواهد کرد. نکته حائز اهمیت در این انتخابات، عدم برگزاری انتخابات شوراهای استان‌ها پیش از آن بود. شایان یادآوری است که در انتخابات گذشته، انتخابات شوراهای استانی، محکی برای سنجش وزن سیاسی هر یک از جریان‌ها برای ورود به مرحله بعد بود که این انتخابات، فاقد چنین شاخصه‌ای بود. به همین سبب، در انتخابات 2018 که قرار بود دو انتخابات پارلمانی و شوراهای استانی همزمان برگزار شوند، صرفاً انتخابات پارلمانی در موعد مقرر برگزار گردید و





انتخابات شوراهای استانی برخلاف دوره‌های پیشین که قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی برگزار می‌شد، به پس از برگزاری انتخابات پارلمانی موکول شد.

ارزیابی و نتیجه‌گیری

با عنایت به موضوع شکل نظام سیاسی عراق بر مبنای دموکراتیک و توجه به بافت جمعیتی این کشور، شیعیان به خوبی توانستند با تکیه بر مؤلفه‌های قدرت خود از فرصت‌های پیش آمده، بهره‌برداری نمایند و حضور و فعالیت سیاسی خود را در عراق، گسترش و تعمیق بخشند؛ به نحوی که به مثابه بازیگر داخلی مؤثر در محور حاکمیت بازیگری کنند. از این رو، در صورت استمرار آگاهی و ادراک رهبران این طیف، امروزه هیچ قدرتی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن فاکتور شیعیان در عراق، نقش‌آفرینی نماید و بدون در نظر گرفتن ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی این کشور، که شیعیان از پتانسیل‌های عظیمی در آن برخوردارند، تأثیرگذار باشد.

بر این اساس، انتخابات 2018 عراق نیز هر چند به جابه‌جایی قدرت در میان برخی بازیگران داخلی گذشته به ویژه طیف شیعی خواهد انجامید، ولی نکته مهم آن است که «اکثریت عددی»، به عنوان سنگ بنای تشکیل دولت و کابینه، در این دوره نیز همچنان از آن شیعیان است و اگر این میزان بیشتر نشده باشد، قطعاً در این دوره کمتر شده است. نگاهی به تعداد و میزان کرسی‌های ائتلاف‌های انتخاباتی این مهم را تأیید می‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت که در صورت وحدت بیت شیعی و کنار گذاشتن برخی اختلافات، بسیاری از مشکلات و چالش‌های موجود رفع می‌گردند و یا اینکه مسیر برای رفع آنها، تسهیل می‌شود. بنابراین در مرحله پس از برگزاری انتخابات، شیعیان به مثابه اکثریت جمعیتی، باید تمام هم و غم خود را مصروف تشکیل «کتله اکبر» در داخل پارلمان نمایند تا مسیر آتی دولت در آینده را مشخص کرد.

بنابراین، آنچه مهم است اینکه در دوره پیش رو، می‌توان ادعان داشت که افکار عمومی به‌ویژه در میان شیعیان به عنوان محور حاکمیت، اقبال زیادی به شعارها و عملکردهای جریان‌هایی داشته است که «مبارزه با فساد»، «امنیت‌سازی و مبارزه با تروریسم سلفی - تکفیری» و «خدمات‌رسانی» را وجهه همت خود قرار داده‌اند و مهم‌تر آن است که دولت



شکل گرفته از دل تحولات کنونی، بتواند به این مطالبات به نحو مناسب پاسخ دهد؛ به گونه‌ای که محور ماندن شیعیان به مثابه جمعیت غالب در حاکمیت و در تشکیل دولت‌های آینده، استمرار و تقویت یابد. نکته قابل توجه در این دوره، رویگردانی و یا به عبارت بهتر، کاهش مشارکت مردم بود که یک اتفاق واقعی و غیرقابل انکار است که جدا از دخیل بودن بسیاری از عوامل، ناامیدی مردم از حل مشکلات توسط چهره‌های قدیمی و عدم معرفی چهره‌های جدید در برخی ائتلاف‌ها و احزاب در انتخابات جدی‌تر بود. بنابراین در دوره‌های بعدی، بایستی این موضوع از سوی جریان‌های سیاسی در راستای کادرسازی برای آینده مورد توجه قرار گیرد.

البته نکته مهم‌تر در فضای مقطع پساداعش در عراق، بحث بقا یا خروج آمریکا در عراق است که به نظر می‌رسد دو ائتلاف برتر انتخاباتی این دوره، چه در درون پارلمان باشند و چه در فرایند شکل‌دهی به دولت «با هم» یا «یکی بدون دیگری» مشارکت کنند، این موضوع را به چالش اساسی برای آمریکایی‌ها در سطح افکار عمومی تبدیل خواهند کرد؛ این موضوع از آنجایی حائز اهمیت است که آمریکایی‌ها در دوره ترامپ برای حضور نظامی مؤثرتر در عراق، خیز برداشته‌اند.





منابع و مأخذ

- پایش (سلسله گزارش‌های تحلیلی)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک المحور - دفتر تهران، 23 اردیبهشت 1397، شماره 7.
- پایش (سلسله گزارش‌های تحلیلی)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک المحور - دفتر تهران، 17 اردیبهشت 1397، شماره 6.
- افشون، تورج، «دین و علمانیت در ساختار حقوقی - حاکمیتی عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره 3، پیاپی 63، پاییز 1394.
- العنکی، طه حمید، «النظم السیاسیه و الدستوریه المعاصره؛ اسسها و تطبیقاتها، بغداد مرکز حمورابی البحوث و الدراسات الاستراتیجیه، 2013.
- پایگاه خبری شبکه الکوثر، «نوری مالکی؛ سهمیه‌بندی قدرت در عراق باید منسوخ شود» (22 اسفند ماه 1396)، قابل دستیابی در سایت: fa.alkawthartv.com/news/127465
- خبرگزاری ایسنا، «عراق، میان دو رویکرد اکثریت ملی و اکثریت سیاسی»، 18 اردیبهشت 1397، قابل دستیابی در سایت: <http://www.isna.ir/news/197021809904>
- خبرگزاری پانا، «بیانیه آیت‌الله سیستانی در خصوص انتخابات پارلمانی عراق + تصویری»، (تاریخ مراجعه 9 خرداد 1397)، قابل دستیابی در سایت: www.pana.ir/news/818730
- خبرگزاری ایسنا، «موضع آیت‌الله سیستانی درباره انتخابات پیش رو در عراق»، (تاریخ مراجعه 9 خرداد 1397)، قابل دستیابی در سایت: <http://www.isna.ir/news/newa/9702107449>
- خبرگزاری مهر، «مقتدی صدر خبر داد: پایان تغییرات و بازنگری نهایی در کابینه عراق»، 2 خرداد 1397، قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/4305129>
- خبرگزاری مهر، «نشال اینترست: آمریکا درکی از پیچیدگی‌های سیاسی عراق ندارد»، 31 اردیبهشت 1397، قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/4302425>
- خبرگزاری ایسنا، «نوری مالکی: طرح آینده ما، ایجاد ائتلاف‌های ملی برای تحقق اکثریت سیاسی است»، 4 بهمن 1396، قابل دستیابی در سایت: <http://www.isna.ir/news/96110402295>
- خبرگزاری کردپرس، «نوری مالکی: دولت اکثریت سیاسی، راه‌حل نجات عراق است»، 14 اردیبهشت 1397، قابل دستیابی در سایت: www.kurdpress.com/details.aspx?id=14012
- خبرگزاری مهر (به نقل از سوریه نیوز)، «تأکید العبادی بر دستیابی به توافق سیاسی برای حفظ منافع عراق»، 26 اسفند 1396، قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/4253816>
- خبرگزاری فارس، «در مراسم روز بزرگداشت شهید عراق؛ العبادی: هر گونه درگیری در منطقه به بروز تروریسم منجر می‌شود»، 26 اسفند 1396، قابل دستیابی در سایت: <http://www.farsnews.com/news/13961226001655>
- سایت خبری - تحلیلی تابناک، «تشکیل کمیته‌ای برای بررسی نتایج انتخابات عراق»، 3 خرداد 1397، قابل دستیابی در سایت: <http://www.tabnak.ir/fa/news/802362>
- قانون اساسی عراق.
- نیک‌منش، رضا، «تحلیل پیام انتخاباتی مرجعیت نجف و تأثیر آن بر روند سیاسی»، گزارش ویژه شماره 50، 1397/2/25.